

**Predigt zu Ostern, 12./13. April 2020,  
Erlöserkirche Düsseldorf (SELK)  
Pfr. Gerhard Triebe**

**1. Korinther 15,19-28:**

اول قرنطیان باب ۱۵ آیات ۱۹ الی ۲۸ - عید پاک

- ۱۹ اگر فقط در این جهان در مسیح امیدواریم، از جمیع مردم بدبختتریم.
- ۲۰ لیکن بالفعل مسیح از مردگان برخاسته و نوبر خوابیدگان شده است.
- ۲۱ زیرا چنانکه به انسان موت آمد، به انسان نیز قیامت مردگان شد.
- ۲۲ و چنانکه در آدم همه میمیرند در مسیح نیز همه زنده خواهند گشت.
- ۲۳ لیکن هرکس به رتبه خود؛ مسیح نوبر است و بعد آنانی که در وقت آمدن او از آن مسیح می‌باشند.
- ۲۵ و بعد از آن انتها است وقتی که ملکوت را به خدا و پدر سپارد. و در آن زمان تمام ریاست و تمام قدرت و قوت را نابود خواهد گردانید.
- ۲۵ زیرا مادامی که همه دشمنان را زیر پایهای خود نهد، می‌باید او سلطنت بنماید.
- ۲۶ دشمن آخر که نابود می‌شود، موت است.
- ۲۷ زیرا همه چیز را زیر پایهای وی انداخته است. اما چون می‌گوید که همه چیز را زیر انداخته است، واضح است که او که همه را زیر او انداخت، مستثنی است.
- ۲۸ اما زمانی که همه مطیع وی شده باشند، آنگاه خود پسر هم مطیع خواهد شد او را که همه چیز را مطیع وی گردانید، تا آنکه خدا کل در کل باشد.

**اعضای گرامی** ، پیش بینی های آینده در حال حاضر بسیار مورد نیاز است. مردم می خواهند بدانند که "بعد از کرونا" چه پیش خواهد آمد. تقریباً هر عصر یک برنامه ویژه روی صفحه تلویزیون وجود دارد ، تقریباً همه نمایش های گفتگو حول این موضوع می چرخند. سپس همه کارشناسان را می توانند دعوت کرده و آنها را درگیر این بحث می کنند. همه خود را با برخی از این پیش بینی ها امتحان می کنند. این کلمه از یونانی چیزی شبیه به "دانش پیشرو" است ، ایده ای از آینده همانطور که می تواند باشد. معمولاً خطوط توسعه گذشته به آینده گسترش می یابد. به عنوان مثال ، اگر یک منحنی در گذشته در حال سقوط بود ، فرض بر این است که در آینده روند نزولی خود را ادامه خواهد داد. اغلب ما فقط در آینده شاهد مشکلات و خطراتی خواهیم بود و گاهی اوقات چنین پیش بینی هایی از پیشگویی به حقیقت تبدیل می شوند. به عنوان مثال این بدان معنی است مثلاً شما پیش بینی می کنید که تا سال ۲۰۳۰ اعضای کلیسا ۲۵ درصد کاهش پیدا می کند پس احتمالاً این اتفاق خواهد افتاد زیرا شما در انتظار آن به سر می برید . بنابراین ، آینده شناس ماتیاس هورکس به جای آن یک عارضه مجدد را توصیه می کند. بنابراین او می خواهد نگاهی انداخته و چیزی را از طریق ایم راه بشناسد. وی در مواجهه با مشکل ، چالش یا خطر ، او در آینده نکته ای را انتخاب می کند که از آن می خواهد به این چالش نگاه کند. این بسیار سازنده تر از عادت های ماهانه افراد است. بنابراین ، برای مثال ، اگر خودمان را در پاییز سال ۲۰۲۰ تصور کنیم و تصور کنیم که چگونه در کافه، خیابان می نشینیم ، از کاپوچینو لذت ببریم ، تماشا می کنیم که مردم در منطقه پیاده رو قدم می زنند و به این فکر می کنیم که در ماه آوریل وقتی که ما آزادی خود را داشتیم به شدت محدود شده بودیم که حتی در عید پاک اجازه

دیدن والدین یا مادر بزرگ ها را نیز نداشتیم ، زیرا زندگی عمومی و اقتصادی تقریباً به بن بست رسیده بود ، پس تعجب خواهیم کرد که چگونه ما از این همه جان سالم به در برده ایم و اکنون می توانیم خیلی خوب اینجا بنشینیم . ، هورکس سپس چیزهای زیادی را در مورد آنچه ما واقعاً می توانیم از آن غافلگیر شویم می داند - به عنوان مثال ، چگونگی تبدیل شدن به منزل آشکار در خانه یا چقدر ارزش برخورد مستقیم با افراد دیگر ، مبادله مستقیم ، همدلی.

عید پاک ، اعضای گرامی ، همچنین نوعی "بازگشت مجدد" است. از رستاخیز عیسی ، پایان را می بینیم ، به اصطلاح از زمان رستاخیز عیسی مسیح ، ما در زندگی به پایان آن نگاه می کنیم . این چشم انداز عید پاک یک منظره کاملاً متفاوت از آینده ما به ما می دهد. این مربوط به توسعه بازار کار یا داده های اقتصادی نیست ، نه در مورد پیش بینی بازنشستگی و یا در مورد انتظار از زمان یافتن دارو یا واکسن در برابر "بیماری جدید ریه (( کرونا)). زمانی است که عید پاک فرا رسیده است. از این رو آینده ما (۱) دلیل متفاوتی دارد ، (۲) شکل متفاوتی دارد و (۳) هدف دیگری دارد.

پیش بینی های کلاسیک معمولاً دو منظوره است . از یک طرف ، شما می توانید در شناسایی برخی تحولات و انجام اقدامات مناسب در زمان مناسب کمک کنید. اما آنها همچنین می توانند ما را اغوا کنند در صورتی که شرایطی که بر اساس این پیش بینی ها تشکیل شده اشتباه باشد یا نتیجه گیری هایی که از آنها نتیجه گرفته می شود. به همین دلیل است که وقتی در مورد آینده خود صحبت می کنیم ، بستگی به یک رکن اساسی و محکم از یک سو و نتیجه گیری صحیح از طرف دیگر دارد.

امید ما به آینده رستاخیز عیسی مسیح از میان مردگان است. جمعه خوب میخ به صلیب فرو می رود و برای اینکه ما به آرامش و امنیت برسیم ، همان طور که پهلوی او با نیزه سوراخ شده بود ، صبح عید پاک از قبر بیرون آمد. این واقعاً باورنکردنی است ، این پیام! حتی زنانی که ، همانطور که تازه شنیدیم ، که توسط فرشته این پیام داده شده را شنیدند و سپس مقبره خالی را دیدند ، مدتی طول کشید تا آن را درک کنند. و اولین مسیحیان در حال حاضر مجبور به جنگ با این اتهام بودند که آنها بدن عیسی مسیح را سرقت کرده اند.

تا به امروز ، رستاخیز عیسی دوباره توصیف می شود به این معنا که خود او نیست بلکه پیام او است که به زندگی خود ادامه می دهد ، حتی در کلیساهای بزرگ اینجا با ما. از طرف دیگر ، با اعتراف به مسیحیت ، ما معتقدیم که مرگ و رستاخیز عیسی مطابق آنچه خدا در عهد عتیق اعلام کرد ، اتفاق افتاد و این که مسیح قیام کرده ، در مناسبتهای مختلف توسط پیروانش دیده می شد. پولس - همانطور که در مقاله شنیده ایم - مجموعه ای از شاهدان را نام می برد.

این در اصل با تمام حقایق تاریخی صادق است. مثلاً همچنین نه برای اثبات اینکه مارتین لوتر زندگی کرده است - به این معنا که او می تواند در اینجا به عنوان زندگی نشان داده شود و اینکه می توانید خودتان با او صحبت کنید. اما هیچ یک از ما به این فکر نمی رسیدیم که او در واقع زندگی کرده است. از این گذشته ، شهادت های بی شماری از معاصران درباره او وجود دارد ، او خودش نوشته های بسیاری را به جا گذاشته است ، حتی امروز نوادگان او نیز در بین ما زندگی می کنند. بنابراین این ایده که نمی تواند مارتین لوتر وجود داشته باشد کاملاً پوچ است.

در مورد رستاخیز عیسی ، این مسئله بسیار دشوارتر است. همچنین ، یک مجموعه کامل از شهادت برای این کار از معاصران عیسی ، که در عهد جدید جمع آوری شده ، وجود دارد. سخنانی در مورد رستاخیز وجود دارد ، بلکه تعداد بیشماری - اگر چه نه از طریق خونی - از فرزندان او وجود دارد. اما تجربه تهدید می کند که بارها توصیفات و شواهد کم رنگ خواهند شد. تجربه ما می گوید: مرده مرده است! تاکنون هیچ یک از کشته ها برنگشته اند. و با این تجربه ما حق داریم ، اعضای عزیز! زیرا رستاخیز با بازگشت از میان مردگان متفاوت است. معاد بازگرداندن جسم قدیمی به زندگی قدیمی نیست بلکه ایجاد زندگی کاملاً جدید است. این زندگی جدید با اندازه گیری ضربان نبض ، فشار خون یا امواج مغزی قابل نمایش نیست. در

چارچوب واقعیت ما کاملاً غیر قابل مقایسه است. بنابراین ، واقعیت جدید معاد را نمی توان اثبات کرد. بنابراین ، نیازی نیست که با آنچه در غیر این صورت برای ما آشنا است ، سنجیده شود. و به همین دلیل است که ما همیشه به گفته های حواریون اعتماد می کنیم.

معجزه واقعی عید پاک شامل این حقیقت نمی شود که خدا - فراتر از هر چیزی که از علوم طبیعی برای ما قابل درک باشد - می تواند زندگی جدیدی ایجاد کند ، اما او آن را می خواهد. در روز سوم ، خداوند کسی را برگزید که تمام عواقب گناهان ما را به دوش گرفت و گناه ما را پذیرفت و به این ترتیب به عنوان گناهکار در پیشگاه خداوند اعتراف کرد. این گناه و نفرین آن نیست که حرف آخر را می زند ، بلکه ، بله ی خدا به مسیح و در نتیجه ما نیز هست. این معجزه واقعی عید پاک است! برای کسانی که این موضوع را درک کرده اند ، معمولاً کسانی به طریقی: نامناسب سؤالاتی پر از تردید مطرح می کنند که اهمیتی ندارد و آنها شروع به تعجب در مورد آنچه در واقع شگفت آور است ، می کنند.

حالا پولس چندان به وقایع روز اول عید پاک توجه نمی کند ، بلکه مهمتر از همه می گوید آنچه از رستاخیز عیسی برای ما حاصل می شود. و نکته اصلی برای او این است: رستاخیز عیسی از مردگان مستلزم قیام خودش است. مسیح "فرزند اول" است. اتفاقی که برای او افتاد نیز برای کسانی که به او وصل هستند اتفاق می افتد. به همین دلیل است که ما نیز مانند او ، برای همیشه در کنار خدا هستیم و زندگی داریم - غیرقابل نفوذ ، همانطور که پولس بعداً می گوید ، که در قدرت و جلال خدا ، یعنی زندگی ابدی زندگی می کرد. این همان چیزی است که آینده ما به نظر می رسد.

فقط خیلی واضح است که ما خودمان واقعاً چنین آینده درخشانی را باور نمی کنیم. به نظر می رسد که ما باید بمیریم بسیار واضح و غیرقابل انکار است. بنابراین ما معمولاً خود را تسلی می دهیم که هنوز زمانی تا مرگ وجود دارد ، و هنگامی که به طرز محسوسی نزدیک تر می شود ، با دلگرمی های بی معنی از آن دور می شویم و خود را آرام می کنیم .

پولس متفاوت فکر می کند. او اغلب از اینکه باید بمیرد صحبت می کند. چرا باید آن را از خودمان پنهان کنیم؟ ما باید مرگ را بپذیریم ، مرگ واقعی ، شاید تلخ. پیش بینی زندگی جاودان همراه جوانی جاودانه یک رویا است که همیشه توسط واقعیت رد می شود. انعطاف پذیری از بین می رود حتی با وجود تای جینسنگ. "قدرت دو قلب" (نام یک برند تجاری است جهت سلامتی که در داروخانه ها به فروش می رسد) نیز کمکی نمی کند. در بعضی مواقع نفس کوتاهتر می شود - حتی بدون ویروس کرونا، تحرک کاهش می یابد ، چشم و گوش ضعیف تر می شوند. ما با این واقعیت که مردم در پیری بالغ و خردمند می شوند ، خود را تسلی می دهیم. اما این نیز می تواند بسیار متفاوت باشد.

اما مردگان دوباره برمی خیزند. خدا دوباره از همه ما شروع می کند ، او زندگی تازه ای را با شرایط کاملاً جدید به روشی کاملاً جدید به ما می دهد. لازم نیست که قبل از مرگ وحشت کنیم ، اما وقتی ساعتی فرا می رسد می توانیم با اطمینان خودمان را به دست خدا بیاندازیم - به همان میزان آرام که فرد می تواند بعد از کار در شب بخوابد. زیرا بعد از خواب بیداری لذت بخش می آید. این به معنای "بازگشت دوباره" است.

حق چنین امیدی در رستاخیز عیسی مسیح است. او "اول" است. او آنچه را پیش روی ماست ، دارد: مرگ و معاد. این نمونه اولیه ، به اصطلاح ، و نه فقط به این معناست که می تواند اولین نمونه باشد ، دقیقاً به عنوان اولین مدل در تولید - حتی قبل از سری آزمایشی. ما نه تنها زندگی "مانند او" خواهیم داشت بلکه آن را "به خاطر او" و "در او" خواهیم داشت: "از آنجا که مرگ از طریق شخص حاصل می شود ، رستاخیز مردگان نیز از طریق شخص حاصل می شود. زیرا همه آنها در آدم می میرند ، همه در مسیح زنده می شوند.

چگونه باید آن را تصور کنیم؟ وقتی پولس در اینجا از آدم صحبت می کند ، به معنای "نمونه اولیه" انسان ، انسان ماقبل تاریخ است. مهمتر از همه ، از آنجا که کتاب مقدس همیشه به طور دقیق فکر می کند ، ما این انسان ماقبل تاریخ را آدم به عنوان غول پیکر تصور می کنیم که تمام بشریت را در آغوش می گیرد. شما

همچنین می توانید آن را با قومیت مقایسه کنید: من آلمانی هستم ، بنابراین من به افراد شاعران و متفکران تعلق دارم ، حتی اگر با گوته یا شیلر ارتباطی نداشته باشم . از طرف دیگر ، البته این بدان معنی است که من بازمانده افرادی هستم که در جنگ جهانی دوم شرکت داشتند . من در آن زمان به دنیا نیامده بودم ، اما باید عواقب آن را تحمل کنم - نه فقط به عنوان کسی که در برلین تقسیم شده متولد شد. بنابراین من نه تنها داستان زندگی شخصی خودم را دارم ، بلکه من نیز بخشی از یک داستان بزرگتر هستم و این داستان بزرگتر زندگی من را تعیین می کند. من نمی توانم از آن جلوگیری کنم. بنابراین "بودن در آدم" به این معنی است که ما در این انسان و تاریخ او و در نتیجه نیز در گناه او و در نتیجه در فروپاشی او تا مرگ سهمی داریم.

ولی وقتی در "مسیح" هستیم همه چیز فرق می کند - و او را دوباره مثل یک انسان بزرگ تصور می کنیم که در آن سهم داریم ، مانند اندامهای یک بدن. ما در بدو تولد در انسان اول سهمیم هستیم. ما بخشی از مسیح را از طریق تعمید دریافت می کنیم. در آنجا "ما" در آن گنجانیده شده ایم ، به طوری که از زمان تعمید ما از طریق ارتباط غیرقابل تفکیک با او ، مرگ و معاد را در پشت سر خود داشته ایم. زندگی این شخص جدید - همانطور که کولسیان می گوید - هنوز "زیرا که مرید و زندگی شما با مسیح در خدا مخفی است" به طوری که نمی توان آن را از نظر علمی اثبات کرد. با این حال ، در رفتار ، این فرد جدید در حال حاضر به وضوح علائم زندگی را نشان می دهد. این شخص جدید ، که قبلاً با تعمید به او ایمان آورده ایم ، نمی میرد. آینده از قبل در او آغاز شده است. به عبارت دیگر ، در آینده مسیح ، حتی بیشتر ، آینده ما نیز تضمین شده است: با آن شروع و آغاز می شود.

اما این آینده هنوز در انتظار است. حتی بعد از غسل تعمید ، از آنجا که ما هنوز به این انسان بزرگ وصل هستیم ، اما هنوز مرگ خود را پیش روی خود داریم. به همان اندازه واقعیت جدید رستاخیز می توان ثابت کرد که ما در تعمید "دوباره متولد شدیم" و اکنون زندگی جدیدی داشته ایم. این را فقط می توان باور کرد - دوباره بر اساس شهادت رسولان - در برابر همه تجربه ها. در ابتدا فقط باید صبر کنیم. و تا زمانی که با افزایش تعداد عفونت ها و کاهش آمارهای اقتصادی ، با ترس و نگرانی ، با شک و ناامیدی ، با رنج و ناکامی مبارزه کنیم ، برای این آینده آرزو خواهیم کرد - اگر ایمان داشته باشیم. همانطور که از قبل با ایمان با انسان اول در ارتباط هستیم ، یقین این جامعه همچنان در انتظار است. فقط در روزی که مسیح دوباره با جلال بازگردد ، شکی وجود نخواهد داشت که آنچه در حال حاضر پنهان است ، برای همه صدق می کند.

بگذارید آن را با یک بازی شطرنج مقایسه کنم: سیاه در شطرنج است ، اما هنوز هم مات نیست. این بازی مدتهاست که تصمیم گرفته شده است ، حتی اگر سیاه هنوز هم می تواند چند حرکت را انجام دهد و حتی ممکن است به یک یا چند مهره سفید دیگر برخورد کند. هر کس قوانین را می داند و این یک مرور کلی دارد ، می داند که "مات!" است فقط موضوع زمان است.

با مرگ ، با قدرت ترس و نگرانی و با تمام نیروهای دیگر که بر ما ظلم و ستم می کنند ، یکسان است: با رستاخیز عیسی مسیح ، بازی تصمیم می گیرد. حرکاتی که اکنون می توانید انجام دهید دیگر برای نتیجه بازی مهم نیستند. شما شکست خورده اید دیر یا زود همه آن را تشخیص خواهند داد. کسانی که قوانین را می شناسند و یک مرور کلی دارند ، یعنی کسانی که با کلام خدا آشنا هستند و همچنین به آن اعتماد دارند ، می توانند از قبل با آینده ای آرام به آن نگاه کنند. او همچنین می تواند این یا هر باخت را پشت سر بگذارد ، زیرا می داند که این دیگر چیزی برای نتیجه بازی ندارد. بازی فقط باید بازی شود تا بازیکن دیگر تسلیم نشود.

بنابراین شکل آینده ما یک جانبه مثبت نیست - برای مثال به معنای: پیشرفت روز افزون ، امید به زندگی بیشتر ، رشد روزافزون ، رفاه و امنیت. در عوض ، این چهره مضاعف وجودی شکسته ما را به همراه دارد: از یک سو ، در ارتباط با آدم ، ناگزیر به مرگ نزدیک می شویم. از طرف دیگر ، ما در حال حاضر زندگی داریم - که با مسیح در ارتباط است - پنهان و فقط منتظر هستیم تا وقتی مسیح برمی گردد ، در رستاخیز آن آشکار شود.

ما اکنون در هدف آینده خود هستیم. و رسول با گسترش خطوط توسعه موجود از گذشته به آینده، این موضوع را توصیف نمی‌کند. براساس رستاخیز عیسی، او خود را با یک "بازگشت دوباره" معرفی می‌کند، همانطور که خواهد بود، در پایان زمان ما و در جهان، همه آفرینش با خالق خود دوباره می‌پیوندند - بدون این که این اجتماع تحت تأثیر چیزی قرار بگیرد. هر چه ممکن است اکنون برای ما مشکل ساز باشد - در این صورت اما زمانی که همه مطیع وی شده باشند، تا آنکه خدا کل در کل باشد.

ما هنوز در یک زمان موقت زندگی می‌کنیم و همینطور مشغول مبارزه نیز هستیم و. ممکن است گاهی پیشرفت داشته باشیم و این همان کاری است که ما می‌خواهیم برای آن کار کنیم - اما قدرت های ضد خدا هنوز وجود دارد، در میان آنها مرگ. هرکسی که قوانین بازی را فراموش کند یا در این شرایط بازی را از دست بدهد، به راحتی ترسیده و احتمالاً حتی ناامید خواهد شد. به همین دلیل است که شما در این دوره موقت باید ایمان خود را اثبات کنید، به کلام خدا بپیوندید و بار دیگر و بارها به این موضوع گوش دهید که بازی چگونه پیش می‌رود و چگونه می‌گذرد و همیشه به یاد داشته باشید که او در عید پاک بر همه پیروز خواهد شد. قدرت های

او باز هم بارها و بارها می‌پرسد که دوست داریم با او آشتی کنیم. اما وقتی دوره موقت به پایان رسید، او با تمام قدرت ظاهر می‌شود. قدرتهای دیگر در این صورت چیز دیگری برای گفتن ندارند، حتی مرگ. "پیروزی در میان همه بسپس عیسی به پدرش گزارش می‌دهد، و ما بسپس ما با پدر در خانه خواهیم بود.

تصور کنید که چگونه در بهشت می‌نشینید و به این دنیا و این زندگی نگاه می‌کنید. شما از این نگرانی‌ها و مشکلاتی که گاهی در اینجا به وجود آمده، متحیر خواهید شد، چه چیزی برای شما مهم بود و چه چیزی شما را وحشت زده کرده است. زیرا هیچ چیز نخواهد بود و هیچ کس مشارکت ما با خدا و با یکدیگر را برهم نخواهد زد، هیچ سوالی و تردیدی، غم و اندوه و نگرانی، هیچ بیماری، بدون درد و زمان دغدغه وجود ندارد. ما در آزادی بی‌نهایت و بالاترین هماهنگی را با او داریم. این آینده ما است، که با عید پاک شروع شد!

به همین دلیل است که امروز ما می‌توانیم تحمل داشته باشیم تا با آرزوی آینده خود زندگی کنیم - با جستجو و نگاه به عشق و نزدیکی که خداوند به ما عطا می‌کند، و با مقابله با وظایف پیش رو با اطمینان و با اطمینان - هوشیارانه با نگاه به واقعیت های حال حاضر موقت و با اطمینان - نه: برای به دست آوردن همه مشکلات تحت کنترل، اما: با اعتماد به نفس کسی که عیسی را به میان مردگان برد و برخیزانید، می‌تواند و می‌خواهد زندگی جدیدی از مرگ ما و جهان ما ایجاد کند. آمین